

## بزرگترین عامل در تعلیم

آیا ممکن است کسی بتواند بقدری خوب و بسندبده تعلیم دهد که پس از سیری شدن دو هزار و سیصد سال یاد او از خاطر جهان و جهانیان نرود؟

بکنفر را توان شناخت که توانست در این قسمت بقدری قرین موفقیت گردد که بالنتیجه آوازه و شهرتی جاویدان نصیب وی شود. این شخص نه تصدیقنامه داشت، نه درجه علمی و نه رتبه آموزگاری و استادی. نه دارای اطاق مدرسه بود که در آنجا بتعلیم پردازد و نه وسیله و لوازم کار داشت. حتی فاقد میزی بود که کنار آن بنشیند و تعلیم دهد. در هیچ جا و بهیچکس امتحانی نداد، خوبستن را برای تحصیل درجه و رتبه و احراز مقام و منصب بزحمت نینداخت؛ کار او فقط و فقط این بود که جوانها را وادار بتفکر و تعقل کند؛ همین بود و بس اولی همین قدر اهتمام و مجاهده آتقدر تاثیر داشت که باعث شهرت ابدی و افتخار جاویدان او شد و بیش از اینهم: شهرت و آوازه ای فراموش نشدنی نصیب شاگردان او ساخت.

سقراط در هرجا، در هر موقم، و هر ساعت روز که فرصتی بدست میآورد جوانان شهر آتن را ملاقات کرده با آنها داخل صحبت و گفتگو میشد. بعضی از این جوانان از آنجهت بسوی او روی میآوردند که گرفتار آلام و رنجهای درونی بودند، و از عقائد افراطی و تعالیم احمیانا متناقض سوفسطائیان نمیتوانستند وسیله تسکین بدست آورند. سقراط مساعدت فکری خود را از این زمره جوانان دریغ نمیداشت و آنها را وادار میکرد مسائلی را که در نظر دارند معین و مشخص نموده تحت انتظام در آورند؛ تحقیق و تتبع نموده و خودشان به نتیجه رسیده و عقیده ای اتخاذ نمایند. يك زمره دیگر از جوانان با عجب و رعوتی که مخصوص اشخاص خود خواه و خود پرست است بسوی او میآمدند، و در هر مورد و موضوع برای اثبات گفتار خود یا به نقل اقوال قداماء و گذشتگان میپرداختند و با به آخرین عقائد و آراء سوفسطائیان استناد میجستند. سقراط با کمال صبر و متانت گوش میداد و سپس با نهایت فروتنی و خضوع از آنها تقاضا میکرد که آراء خود را بیشتر شرح داده و روشن تر سازند تا بتواند موضوع را خوب بفهمد. هر قدر این جوانان بیشتر سعی در توضیح و تفسیر مینمودند زیادتر درمانده میشدند و بر ابهام و پیچیدگی موضوع میافزودند. اگر اشخاص جوانمردی بودند بنادانی و بیخبری خود اعتراف میکردند.

سپس این معلم بزرگ آنها را راهبری میکرد که در بارهٔ مسائل و غوامضی که در پیش دارند بیشتر غور و تأمل و تفکر نمایند تا بتوانند راه حل رضایت بخشی بدست آورند و پایه معتقدات خود را بر روی اساس متبنی استوار سازند.

سقراط از هر گونه خودنمایی و خودسازی متنفر بود. توجه سقراط در اطراف مسائل ذیل دور میزد: « در زندگانی چه چیزهایی مقدس است و چه چیزهایی ناپاک، چه چیزهایی مناسب است و چه چیزهایی نامناسب؛ چه چیزهایی مطابق حق و عدالت است و چه چیزهایی مخالف آن؛ چه چیزهایی با عقل سلیم مطابقت دارد و چه چیزهایی مغایرت. متانت و بردباری چیست و جن و ترس کدام، مملکت چیست و صفات و خصایص مملکتداری چه میباشد؟» دو طقه مردم از سقراط متنفر بودند: یکی مشایخ و پشویان دینی که او را دشمن رسوم و آداب و انتظام موجوده حیات و زندگانی میدانستند و یکی سوقسطائیان که ویرا مانع و رادع اقتدار شخصی و بلند پروازیهای خود میشناختند ولی هیچیک از این دو طقه آنقدر جرأت نداشت که با وی رو برو شود زیرا در هر مورد از آنها خواستار میشد که برای اثبات صحت رسوم و عادات و افکار و آراء خود دلیل و برهان اقامه نمایند.

با اینجهت او را متهم کردند که جوانان آتن را براه ضلالت میبرد و گمراه میکند، و با بحسب و زندان افکنند و محکوم بمرگ نمودند. دوست او کوریتو زندانبان را با رشوه همراه کرد ولی سقراط از فرار با او امتناع نمود و گفت: « هر زحمت و رنجی بمن وارد آید هیچ چیز را بحق و عدالت ترجیح نخواهم داد. » امرسون Emerson میگوید « شرح این محبس، شرح مباحثاتی که در آنجا رخ داد، و نوشیدن شوکران یکی از نفیس ترین و ذیقیمت ترین آیات تاریخ دنیا میباشد. »

بحران کنونی دنیا وضعیتی برای جوانان این عصر بوجود آورده است که بی شباهت باوضاع و احوال جوانان آتن نمیباشد. بنیان نفوذ و قدرت عادات، رسوم و آداب رفته رفته متزلزل میگردد.

هیچ اصلی تنها باستحقاق اینکه از موازین گذشته گنگان است مورد قبول واقع نمیشود مقدسات و معتقدات مربوط بعلم، سیاست، تربیت و مذهب مورد تردید قرار میگردد. در بسیاری شعب زندگانی اختراعات و اکتشافات بسرعت و شتابزدگی پیش میرود. سیلی از افکار و معتقدات جدید و نوین جریان یافته است که غالب آنها احیانا باهم متناقض میباشد. در اینصورت چگونه خواهیم توانست صحیح را از سقیم و مفید را از بی فایده و مصرف تمیز و تشخیص دهیم؟ برای اینکه نگذاریم روح ما در معرض هرج و مرج قرار گیرد چه اقدامی باید بعمل آوریم؟

در هر يك از کلاسهای مدرسه احتیاج بیک سقراط یعنی يك نفر معلم داریم که شاگردان خود را تحریک و راهبری نمایند تا در باره مسائل مهم حیات و زندگانی بطرز مستمر و مؤثر تفکر کنند.

آیا واقعا در هر کلاس مدرسه احتیاج بوجود چنین معلمی داریم؟ آیا کافی نیست

که چند نفر پیشوا و پیشرو را برای تفکر و تعقل صحیح تربیت کنیم؟ توندیک (Tundike) میگوید: در دنیا طبیعتاً عده دانش‌آموزان از عده متفکرین بیشتر است. «وقتی این گفته را با آزمایشها و مشهودات کلی و عمومی خود تطبیق کنیم بصحت آن معترف میشویم. چون هر یک از شعب فعالیت بشری را مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید در میان گروه بیشمار افراد بشر بار تمام تفکرات بدوش عده معدودی است. و این عده بسایر مردم یاد میدهند که چه معتقداتی را باید بپذیرند و چه کارهایی باید بکنند. قسمت اعظم نوع بشر بطیب خاطر آراء و معتقدات آن عده معدود را می‌پذیرند و هر کجا بروند آنها را متابعت میکنند. چون طبیعت بشر چنین اصول تجارب و امتحانات ما این، آیا باید معتقد باشیم که اکثریت نوع بشر باید زندگانی خود را بر روی اصل عادات و آداب و رسوم جاریه قرار دهند و به عبارت روشن‌تر بجای اینکه از روی فکر زندگی کنند باید بر حسب عادت زندگی نمایند و تابع عادت باشند؟ یکی از جوابهایی که باین سؤال میتوان داد اینست: طبیعت اصلی و اولیه شخص هر چه باشد میتوان آنرا در قالب جدیدی ریخته و تصفیه نماییم: شرائط و وضعیات عمومی حیات بر طبق تشکیلات اجتماع هر چه باشد هیچ اصلی ایجاب نمینماید که اشخاص و افراد بیک حال باقی مانده و تغییری در وجود آنها حادث نگردد.

شاید علت اینکه فقط معدودی از ما خودمان برای خودمان تفکر و تأمل در مسائل حیات میکنیم این باشد که مدارس و مکتب ماهیچگاه در صدد بر نیامده اند که جدا بما درس تفکر بدهند و ما را وادار بتفکر کنند. شاید یکی از علل اساسی اینکه ما جز مقلدینی چشم بسته چیزی نیستیم این باشد که ما را برای تقلید کورکورانه تربیت کرده اند. برای اینکه جواب قطعی و رضایت بخش این سؤال را پیدا کنیم باید تاملی نموده ببینیم تفکر در امور روزانه حیات ما دارای چه مقام و مرتبه است.

در اینجا قدری از رشته کلام خارج شده ببینیم تجارب و آزمایشهای کلی و عمومی ما در این زمینه چه حکم میکنند، ابتدا شرایط اساسی امور خود را معروض مطالعه قرار دهیم. بهترین و بزرگترین عامل موفقیت در حرف و مشاغل زندگانی مرد وزن کدام است قوه و نیروی جسمانی؟ سرعت و تندی؟ استعداد تکرارکار و عملی روز بروز بدون تغییر و تنوع؟ قوه خارق العاده حافظه ای که کلیه جزئیات را در هر موقع بیاد میآورد؟ آیا اینها را میتوان عامل موفقیت دانست؟ یا اینکه عامل موفقیت عبارتست از استعداد فهم اشیاء و وسایل خارجی جدید: اختراع آلانی که وسیله تقابل مساعی و زحمات بشری است و استعمال و مورد استفاده قرار دادن آنها و اتخاذ طرق معقول برای وصول بمقاصد عالیه ابرایچه در حرف و مشاغل متنوعه این همه مردم دچار سهو و اشتباه و شکست میگردند؟ آیا این شکست ها و عدم موفقیتها معلول فقدان استعداد و لیاقت و بدست نیامدن فرصت متناسب است؟ یا باید بگوییم همه این زیانها برای اینست که در انتخاب شغل و آماده شدن برای تصدی حرفه ای که در پیش داریم قبلاً مطالعات لازمه را ننموده و موضوع را معروض قضاوت و تأمل قرار

نداده‌ایم؟ بعبارت دیگر بگوئیم آیا مادر امور زندگانی از اینجهت دچار شکست و عدم موفقیت میگردیم که خوب در هر کاری تفکر نمیکنیم؟

دروهله دوم در موضوع ساعات و دقایق فراغت خویش تاملی بنمائیم. مشکل بزرگی که در قسمت تفریحات خود در پیش داریم چیست؟ برایچه مردم در تفریحات مضر و زیان- بخش بحد افراط تامل نشان میدهند؟ آیا بسبب اینست که قادر نیستند فکر تفریحات بهتر و مناسبتری بنمایند؟ اساسی ترین عنصر شفقت و خاطر نوازی کدام است؟ آیا میتوان مهر و محبت و نیت خوب را اساسا فکر شریفی دانست؟ در کشوری که حق و عدالت جریان دارد برای اهالی آن چه چیز بیشتر از همه مورد احتیاج است؟ در مملکتی که مردم آن عاری از حلیه تفکر و تعقل باشند آیا اجرای حق و عدالت ممکن است؟ در باره حیات اخلاقی و دینی چه باید گفت؟ قدر و قیمت اطاعت کور کورانه حکم و فرمانی را که بدون تامل و تفاهم اجرا میگردد با ارزش و مقدار عملی که در تحت تاثیر محرکات باطنی و با تفاهم ارتباط اخلاقی قضایا انجام مییابد با هم بسنجید. مزیتی را که ناشی از اجرای اوامر دینی مبنی بر یک عادت دیرینه و متوافق با رسوم و عادات و آداب متداوله و یا ناشی از هیجانهای تشنج آمیز شدید و نتیجه اغماء و بیخودی میباشد با فضیلتی که محصول یک زندگانی عالی روحانی و دینی و مولود تامل دقیق در قوانین حیات روحانی و مبنی بر تحقیق دائمی برای وصول بحقیقت است و منتهی بقرب بحق و شرکت با او میشود مقایسه کنید.

نتیجه ای که ما بان میرسیم کدام است؟ آیا تفکر دقیق و مؤثر اگر مهمترین عوامل موفقیت در زندگی نباشد یکی از مهمترین عوامل موفقیت بشمار نیست؟ در اینصورت تفکر در تربیت و تعلیم باید واجد چه مقامی باشد؟

تفکر و تعقل در ازمنه گذشته چه مقام و مرتبه ای داشته است؟ هدفهای مختلفه تربیتی که غالبا ذکر از آنها در تاریخ تربیت مشاهده میکنیم جواب روشنی باین سؤال نمیدهد. فرهنگ و تمدن، تکامل عمومی، دانش، انتظام و دیسیپلین، تبحر و مهارت، لیاقت اجتماعی با همه اینها با مفاهیم کنونی خود، بر روی اساس مستحکم تفکر و تعقل قرار دارند و تفکر مهمترین عناصر آنها بشمار است. تاریخ نشان نمیدهد که مبادی فوق در ایام قدیم نیز دارای مفاهیم کنونی خود بوده باشند. بدیهی است که در هر عصر و زمان موارد استثنائی در هر قسمت وجود داشته است، ولی بطور کلی عادت بر این جاری بوده که تربیت را میخواسته اند بوسیله محفوظات و متابعت افکار دیگران اجرا کنند نه با تفکر و تامل شخصی و خصوصی.

در مدارس و مکاتب کنونی ما به تفکر و تامل چه مقام و منزلتی میدهند؟ تجربیات چندین ساله نگارنده در رشته معلمی و ریاست مدارس مرا معتقد نموده است که در مکاتب و مدارس ما تمرین واقعی فکری بسیار کم و نادر است. تقریبا تمام وقت و مجاهدات و مساعی محصلین صرف محفوظات، تکرار بی در پی محفوظات و کسب مهارت بوسیله تکرار مکانیکی میگردد. ممکن است گاهنگاهی بطورندرت مسائل فکری و تمرینهای فکری نیز ضمیمه محفوظات

کردد ولی حتی در این موارد نیز قسمت اعظم تفکر و تامل از ناحیه معلم و مربی ناشی میشود. مسائل مزبور بطوری تنظیم یافته که ندرتا باعث تحریک محصل و مستلزم تفکر دقیق از طرف او میباشد.

هر معلم با کمال سهولت میتواند سوالات امتحانیه را که از گاهی ایگامی تنظیم میگردد تحلیل نموده و تعیین کند چه قسمتی از آنها در حقیقت و معنی مسائل فکری میباشد. چندی قبل خود نگارنده یک رشته سوالاتی را که در طی مدت چند سال از اداره مدارس عالی ایالت مینسوتا Minnesota واصل شده بود مورد تامل و مطالعه قرار داد. سوالات امتحانیه مدارس عالی در کلیه ایالات و ولایات بگسان و یکنواخت بودند. محصلین کلاس هشت و مدارس عالی و قسمت اعظم محصلین قضبات طبق سوالات مزبور امتحان میشدند. سوالات مزبور نماینده میزان و مقیاسی بود که دولت برای امتحان بکار میبرد و بدون تردید از نظر علم تعلیم و تربیت بر بسیاری از سوالاتی امتحانیه محلی مزیت داشتند. روشی که برای تحلیل سوالات مزبور بکار رفت عبارت بود از تقسیم این سوالات بقسمتهای ذیل:

۱ - سوالاتی که بکلی مربوط بقره حافظه شاگرد بود: ۲ - سوالاتی که اعیانا مستلزم قدری

طبقه بندی سوالات امتحانیه دفتر مدارس عالی ایالت مینسوتا  
از سال ۱۸۹۹ تا سال ۱۹۱۳

جدول نمبر ۱۵

موضوع	تاریخی که سوالات از محصلین به عمل آمده	تعداد سوالات	مر بوطه بقوه حافظه	سئوالات	تفکر بوده	تکرار الزام مینموده است	مفترقه
حرف انبیا	۱۸۹۹-۹۰۳-۹۰۶-۹۰۸-۹۱۲-۹۱۴-۹۱۵	۸۶	۶۸	۱۸	—	—	—
وظائف الاعضاء	۱۸۹۹-۹۰۳-۹۰۶-۹۰۸-۹۱۲-۹۱۴-۹۱۵	۹۶	۷۷	۱۹	—	—	—
تاریخ	۱۹۰۰-۹۰۳-۹۰۶-۹۰۸-۹۱۲-۹۱۴-۹۱۵	۱۰۶	۷۲	۲۸	۴	۲	۲
حقوق مدنی و کشوری	۱۸۹۹-۹۰۱-۹۰۳-۹۰۶-۹۰۸-۹۱۲-۹۱۴-۹۱۵	۱۷۰	۱۳۰	۳۰	—	—	۸
جمع		۴۵۸	۲۴۷	۹۵	—	—	۱۰
یورساتاتاز		۱۰۰	۷۶	۲۱	—	—	۲

تفکر بود ولی بخواهی امکان داشت آنها را به نیرود قوه حافظه جواب داد ۳۰ - سؤالاتی که بطور وضوح مستلزم تفکر بود ۴ - سؤالات متفرقه که تقسیم بندی آنها امکان نداشت. برای تأیید نتایج حاصله از تحلیل و تجزیه امتحانات دفتر مدارس عالیہ اینک یک قسمت از سؤالات امتحانیہ دولتی را که در امتحانات معلمین بکار رفته تجزیه نموده از نظر خوانندگان میگذرانیم این سؤالات از طرف دولت بعمل آمده و در کلیه مدارس یکسان و یکنواخت بود نتایج تجدید امتحانات مزبور از اینقرارد است :

## جدول زمره ۲

## سؤالات امتحانیہ ای که از طرف دولت بعمل آمده

از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۴

موضوع	تاریخ سؤالات	تعداد سؤالات	سؤالات مربوط بقوه حافظه	سؤالاتی که احیاناً مستلزم تفکر بود	سؤالاتی که تفکر را ایجاب نماید	متفرقه
جغرافیا	۱۹۰۷-۱۹۱۴	۱۰۲	۶۸	۱۵	۱۳	۶
وظائف الاعضاء	»	۱۰۱	۷۳	۲۳	۲	۳
تاریخ	»	۱۹۳	۸۵	۱۵	۶	۷
حقوق مدنی و کشوری	»	۱۱۴	۹۷	۱۵	۱	۱
جمع		۴۳۰	۳۲۳	۶۸	۲۲	۱۷
بودگان		۱۰۰	۷۵	۱۶	۵	۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

